

ساختار اجتماعی غنا



مقدمه‌ای بر
جامعه‌شناسی غرب آفریقا

محمد حسن اپیکچی

مقدمه

شناخت فرهنگ جوامع بومی غنا در واقع راهی مناسب برای درک عمق واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی مردم این گونه اجتماعات است. بی‌تردید بدون داشتن آگاهی از ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نخواهیم توانست به درک کلی از فرهنگ جوامع سنتی نایل آییم.

در میان اجتماعات سنتی غنا، جامعه آشانتی^۱ بسیار معروف بوده و به عنوان یکی از مهمترین قبایل کشور محسوب می‌گردد. مردم آشانتی دارای قدیمی‌ترین ویژگی‌های فرهنگی گروه اجتماعی «آکان»^۲ هستند؛ کسانی که فرهنگ ابتدایی و سنتی هنوز سازمان اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «آکان» اشاره به گروه اجتماعی انسانی کاملاً متجانس فرهنگی در غنا دارد که الگوهای فرهنگی هماهنگی را با زبان مشترک با خود به همراه دارند. آکان‌ها بزرگترین قبیله آفریقایی در غنا هستند که مردم آشانتی بومی‌ترین بخش عمده آن به شمار می‌روند. قبیله آکان در واقع ۴۰٪ جامعه قبیلگی غنا را تشکیل می‌دهد.

نظام اجتماعی آشانتی از سوی دانشمندان و محققان خارجی به سختی مورد توجه قرار گرفته و اسناد و مدارک کافی نظام فوق یکی از عوامل مهم ایجاد انگیزه تحقیق می‌باشد.

نظام خویشاوندی

نظام خویشاوندی در جامعه آشانتی از طریق نسل و نژاد مادری قابل تشخیص است. نژاد مادری بنیان دودمان سازمان تمرکز یافته‌ای است که از میان قبایل پراکنده در کلیت جامعه آشانتی تعمیم یافته است. هر یک از افراد جامعه به مجرد تولد، عضوی از دودمان مادری و نیز عضوی از جامعه بزرگتر سنتی است و اعضا دودمان مادری از راه ازدواج یا مهاجرت، محل زندگی واقعی خود را پیدا می‌کنند.

در نظام خویشاوندی مادر تباری، رئیس دودمان کنترل و مدیریت فرد فرد جامعه را به عهده دارد. به هنگام ازدواج و تصاحب فرزند هر چند پدر خانواده سرپرست به شمار می‌رود لیکن چه بسا ممکن است پدر اجتماعی کودکان نباشد. درخصوص روابط اجتماعی، دایی مادری وظیفه و نقش اجتماعی کردن کودک را به عهده دارد. رئیس دودمان از ناحیه قانون مذهبی حاکم بر اجتماع

حمایت می‌شود و حتی اگر تمامی اعضا یک دودمان با هم زندگی نکنند، اما بسیاری از مراسم زندگی آنها به صورت مشترک انجام می‌شود. در این نظام، کلیه افرادی که در یک دهکده یا اجتماع زندگی می‌کنند هنوز خود را به عنوان واحد خانواده گسترده می‌شناسند. در حالی که افراد مهاجر به دیگر نقاط، خود را به عنوان بخش جداگانه‌ای از خانواده گسترده اصلی در منطقه مادری خود می‌دانند. در مواقع بحرانی کلیه اعضا واحدهای خانواده مادری دور هم گردآمده و از رئیس و یا رؤسای خود اطاعت می‌کنند. روابط بین خانواده‌های گسترده‌ای که از یکدیگر جدا زندگی می‌کنند، به طور کامل از هم قطع نیست. هر واحد خانوادگی خود را به عنوان عضوی از یک گروه خویشاوندی بزرگ می‌شناسد که به آن دودمان یا تیره می‌گویند. البته زمانی که اقتضا نماید نیای مشترک پدیدار می‌شود. یعنی دودمان مشترک خانواده‌ها و به عبارتی دیگر مردم انبوهی که معمولاً در مناطق گسترده وسیعی زندگی کرده و خود را متعلق به همان قبیله می‌دانند و به ارتباطات اجتماعی اهمیت فراوانی می‌دهند.^۳

در این نظام خویشاوندی، معمولاً مردی که از نظر سنی پیرتر و با تجربه‌تر باشد، با موافقت کلیه اعضا به عنوان رهبر انتخاب می‌شود. تمامی تصمیمات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه به عهده رهبر می‌باشد. قدرت وی پس از انتخاب فزونی یافته، حقوق بی‌شماری را در جامعه سنتی آشانتی از آن خود خواهد کرد. رهبر نقش پل ارتباطی را بین اعضا خانواده و اجداد به عهده دارد و از نظر سیاسی نماینده مردم گروه خود در شورای رؤساست. اگر رهبر از دنیا برود قدرت او به طور موروثی به برادرش واگذار می‌شود، مگر اینکه از لحاظ اخلاقی شایستگی نداشته باشد. در چنین شرایطی رهبری به خواهرزاده (مذکر) یکی از برادران می‌رسد و در بعضی مواقع نیز رهبری به نوه مادری می‌رسد.

ازدواج

در کشور غنا ازدواج بیش از اینکه امری فردی و خانوادگی باشد، پدیده‌ای گروهی به شمار می‌رود. در کشور غنا ازدواج بیش از اینکه امری فردی و خانوادگی باشد پدیده‌ای گروهی به شمار می‌رود. در کشور غنا ازدواج بین خانواده‌ها اتفاق می‌افتد نه بین افراد. چنین ازدواجی مفهوم خانواده گسترده در جامعه غنا را به ذهن

۱ - خانواده هسته‌ای مرکب از زن و شوهر و فرزندان.
۲ - خانواده چند همسری شامل شوهر و همسران و کودکان ری (چند زنی) یا زن و شوهران و کودکان آنها (چند شوهری). البته مورد چند شوهری در جامعه غنا به صورت نهادینه در نیامده است.

۳ - خانواده گسترده که در دو شکل اساسی وجود دارد: در حالت نخست عبارت است از گروه خانوادگی که از افراد بسیار نزدیک به هم تشکیل شده که یا مادر مکانی و یا پدر مکانی می‌باشد. برای مثال یک زن، شوهرش، فرزندانشان و دختران ازدواج کرده به همراه فرزندانشان یا یک مرد، همسر (همسران)، کودکان و پسران ازدواج کرده و همسرانشان. در حالت دوم یک فرد وظایف وسیع دو جانبه‌ای را به عهده دارد. این وظایف شامل تعهدات و مسئولیت‌هایی است که به روابط فرد با خانواده هسته‌ای خود مربوط می‌شود.

خانواده از گروه خانوادگی متمایز است چرا که گروه خانوادگی به افرادی گفته می‌شود که منزل خاصی را اشغال کرده باشند. یک گروه خانوادگی ممکن است یک خانواده باشد لیکن نه اینکه همه گروه‌های خانوادگی همان خانواده باشند. خانوارها نیز با خانواده‌ها و گروه‌های خانوادگی تفاوت دارند. یک خانوار گروهی از مردم است که در واقع همان امور خورد و خوراک و کارهای منزل را مثل خانواده داراست. در محاوره محلی خانوار به عده‌ای اطلاق می‌شود که از «یک ظرف غذا می‌خورند». البته این نوع از خانواده می‌تواند (نه ضرورتاً) گروه خانوادگی یا خانواده باشد.

اگر چه در جوامع سنتی غنا، خانواده هسته‌ای می‌تواند به طور مستقل باقی بماند لیکن واحد زندگی معمول، خانواده گسترده است. حتی در جوامعی نظیر Anlo Ewe که محل اقامت در نزد خانواده شوهری است، مردان منازل خود را نزدیک پدران و دیگر خویشاوندان پدری خود می‌سازند. ضرب‌المثل معروفی رایج است که می‌گوید یک مرد تا زمانی که پدرش در قید حیات است، سرپرست تمام و کمالی برای خانه خود نیست. لذا الگوی قدرت با نظام‌های سکونت خانوادگی گسترده عجین شده است.

به عنوان دومین تعریف از خانواده گسترده باید اذعان داشت تعهدات و ارتباطات خانوادگی صرفاً به هنگام زندگی بستگان در کنار هم معنی ندارد. در کلیه موارد، حتی وقتی خانواده گسترده به عنوان یک واحد مسکونی وجود دارد، تعهدات خانوادگی هرگز به داخل گروه سکونت محدود نمی‌شود. همچنین تعهدات خانواده گسترده به گروه‌های خانوادگی محدود نمی‌شود و در تمام جهات رسوخ دارد. حتی اگر واحدهای مسکونی در مجموع بسیار محدود باشد.

می‌رساند که دارای روابط بسیار نزدیک بوده و فرزندان حاصل از ازدواج متعلق به هر دو خانواده پدری و مادری هستند. سنت‌های رایج ازدواج در میان قبایل مختلف، متفاوت است. در میان قبیله «آشانتی» رسم است که به هنگام ازدواج، خانواده داماد پول و نوشیدنی به خانواده عروس بدهند. لیکن در ازدواج‌های رسمی، رسم دادن هدایا نهادینه شده و سران خانواده داماد موظف به دادن هدیه به خانواده عروس می‌باشند که این هدیه در میان مردم آشانتی اصطلاحاً *Aseda* نام دارد. رسم دادن هدیه در نقاط مختلف غنا و در قبایل مختلف این کشور متفاوت است.

در غنا و کشورهای جنوب صحرا در آفریقا، سنت اجتماعی ایجاب می‌کند تا زنان با پیشقدمی والدینشان و بدون رضایت و دل بستگی به همسران آینده که گاهی حتی آنها را هم نمی‌شناسند، وارد خانواده شوهر شوند.

اعتقادات و قوانین سنتی جامعه غنا برخی از وصلت‌ها را در میان شبکه خویشاوندی منع کرده که علت اصلی آن قربت بسیار شدید خانوادگی است. همچنین «نامزدی کودکان» در این جامعه امری متداول به شمار می‌آید، به طوری که دختران در هر سنی که باشند حتی قبل از تولدشان می‌توانند به نامزدی درآیند. در اجتماع آشانتی، به هنگام رسیدن دختران به سن بلوغ که همان سن ازدواج است تشریفات و مراسم ویژه‌ای برای آنان انجام می‌شود و هرگونه ارتباط زناشویی قبل از این زمان «تابو» محسوب می‌شود. رسوم مشابهی در قبایل *Bew*، *Ga* و *Krobo* نیز دیده شده است. در ناحیه شمال غنا، سن بلوغ یا زمان ازدواج واقعاً شناخته شده نیست.

یکی دیگر از جنبه‌های ازدواج تعداد همسرانی است که فرد همزمان می‌تواند اختیار کند. این مسئله بستگی به قوانین هر جامعه دارد که تک همسری را مجاز می‌داند و یا اینکه با چند همسری موافقت دارد. آنچه به طور فراوان در جامعه سنتی غنا دیده شده ازدواج یک مرد با چند زن به طور همزمان است که اصطلاحاً به آن چند زنی گفته می‌شود. بدیهی است ازدواج یک زن با چندین مرد در جامعه غنا به طور رسمی وجود ندارد.

علی‌رغم پدیده چند زنی، در بسیاری از جوامع غنا تعداد اندکی از مردان بیش از پنج همسر اختیار می‌کنند.

اشکال خانواده:

خانواده به سه نوع مهم تقسیم شده است:

کارکردهای خانواده

۱- تولید مثل

هر چند داشتن فرزند یکی از مهمترین وظایف خانواده از طریق ازدواج شمرده می‌شود لیکن در بسیاری از جوامع ممکن است زوجین بدون ازدواج رسمی نیز دارای فرزند باشند. این روش اصطلاحاً نوعی متعد نامیده می‌شود و روابط زوجین به طور متعدای قلمداد می‌شود. این پدیده که در گذشته بسیار نادر بود اینک در جامعه غنا بسیار معمول است.

چه بسا زوجین بدون ازدواج رسمی دارای فرزند باشند. این روش اصطلاحاً نوعی متعد نامیده می‌شود و روابط زوجین متعدای قلمداد می‌شود. این پدیده که در گذشته بسیار نادر بود اینک در جامعه غنا بسیار معمول است.

معمولاً فرزندزایی با سکونت مشترک زوجین همراه است، لیکن همیشه روال بر این قاعده نیست. در جوامع پدرخطی^۴ که ازدواج معمولاً پدرمکانی یا مردمکانی^۵ است، همسران بلافاصله پس از ازدواج به منزل جدید می‌روند ولی وظایف فرزندآوری آنها در داخل مجموعه خانوادگی شکل می‌گیرد.

در میان خانواده‌های مادر تباری آشنائی در غنا خانواده همیشه یک گروه خانوادگی را تشکیل نمی‌دهد چرا که ممکن است زن و شوهر پس از ازدواج نیز در کنار خانواده‌های خود زندگی کنند. به همین دلیل در فرهنگ آشنائی فرد مایل است همسران خود را در روستای محل زندگی خود پیدا کند اما امید هر مرد آشنائی این است که بتواند خانه‌ای را شخصاً تهیه کند تا زن و فرزندان خود را به آن خانه بیاورد.

چنین رفتاری در جامعه آشنائی اختصاص به آنها یا به اجتماعات مادر تباری ندارد. حتی در بعضی از جوامع پدر تباری همیشه این طور نیست که زنان بلافاصله پس از ازدواج به طرف شوهران خود کشیده شوند. بعضی اوقات سکونت پدرمکانی موقعی عملاً اتفاق می‌افتد که فرزندان به دنیا آمده باشند.

۲- اجتماعی کردن کودک

زمانی که کودکان به دنیا آمدند باید قواعد رفتاری پذیرفته شده جامعه را فراگیرند و این وظیفه بزرگ والدین قلمداد می‌شود. به هر حال در حالی که فرزندآوری و تربیت کودکان مسئولیت خاص والدین است ولی آموزش

و اجتماعی نمودن آنها تنها به عهده والدین نمی‌باشد. چنین وضعیتی شکل ثابت و یکنواختی نداشته، همراه با ساختار خانواده و الگوی سکونت دگرگونی می‌پذیرد.

بنابراین، حتی چنانچه همسران با کودکان یک گروه خانوادگی را تشکیل دهند، کارکردهای اجتماعی کردن چه بسا توسط دیگران انجام پذیرد و البته با این شرط مهم که آموزش گفتاری پسران بر عهده مردان و آموزش گفتاری دختران بر عهده زنان جوان باشد.

در میان خانواده‌های هسته‌ای، اجتماعی کردن کودکان وظیفه بزرگ والدین محسوب می‌شود. اگر خانواده هسته‌ای به طور جدا از دیگر فامیل زندگی کند، والدین به طور قطع بعضی وظایف آموزشی را به خواهران یا برادران بزرگتر در خانواده می‌سپارند. به عبارت دیگر در آغاز تربیت فرزند، والدین اکثر مسئولیت‌ها را به عهده خواهند گرفت لیکن همزمان با گذشت زمان و افزایش سن والدین، فرزندان ارشد خانواده برخی از وظایف را انجام می‌دهند و به راستی یافتن خانواده‌هایی که در آنها فرزندان بزرگتر، به طور کامل نقش والدین را انجام می‌دهند غیرعادی نیست.

در خانواده‌های گسترده، وضعیت کاملاً متفاوت است. وظایف والدین توسط دیگر اعضاء گروه خانواده انجام می‌پذیرد. از همان آغاز تولد، همه افراد خانواده در واقع بر این باورند که هر یک دارای نقش خاصی هستند. گفته می‌شود در نظام مادرتباری، الگوی سکونتی همیشه زندگی والدین و کودکانشان را با هم فراهم نمی‌سازد. با توجه به اینکه سکونت مشترک خانواده، وظایف والدین را به کلیه اعضاء تقسیم می‌کند، اما جدایی والدین از یکدیگر و یا حداقل یکی از والدین از فرزندان صرفاً در نظام خانواده گسترده معمول است. در نمونه‌هایی از مدل خانواده گسترده، ارتباطات دوستانه کودک با اعضاء خانواده حالت غیررسمی دارد. اعضاء گروه همیشه در کنار او هستند تا نقش‌های اجتماعی شدن کودک را برای والدین ایفا کنند.

رفتار دیگر اعضاء جهت یک نوع «ارتباط رسمی نزدیک» برای اجتماعی کردن کودک خاصی شکل می‌گیرد که معمولاً فرزند خواندگی نام دارد. چنین مسئولیتی نه فقط آموزش کودک را شامل می‌شود بلکه تأمین نیازهای عاطفی او را تا زمان رشد و بلوغ بر عهده اعضا می‌گذارد. در برخی از جوامع شمالی غنا مثل Gonja و Dagomba، کودکان حداقل بعضی از اوقات خود را باید با بستگان خود بگذرانند لیکن این رفتار محدود به

اجتماعات فوق نیست، بدین علت بسیاری از مردم غنا مقام و موقعیت خود را در زندگی نه به والدینشان بلکه به دیگر بستگان خود نسبت می دهند.

۳ - تعاون اقتصادی

خانواده یک واحد اقتصادی نیز به شمار می آید. در این جوامع حتی مالکیت زمین نیز از طریق اتحاد و به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی گروههای نسبی عملی می شود. هر عضوی از شبکه خانواده گسترده سهمی از زمین را که با کمک خانواده اش بر روی آن کار کرده است، به ارث می برد. تقسیم کار اجتماعی براساس سن و نوع جنسیت، این اطمینان را به وجود می آورد که هر فردی، کاری را در این مجموعه وظایف بر عهده دارد. تمیز کردن زمین و دیگر وظایف به قدرت بدنی زیادی نیاز دارد که توسط مرد خانواده انجام می شود در حالی که زن خسانواده وظایف سبکتری نظیر بذرافشانی، چیدن علفهای هرز، درو کردن محصولات زمین و خرید و فروش در بازار را به عهده دارد.

خانواده گسترده

خانواده گسترده به عنوان مجموعه ای از خانواده های هسته ای قلمداد می شود، لیکن همیشه یک خانوار به معنای تعاون اقتصادی و امور خانه داری و تهیه غذا نیست. در حالی که برخی از خانواده های گسترده در معنی خانوار به شمار می آیند، اما غیرعادی نیست که در یک خانواده گسترده بیش از یک خانوار وجود داشته باشد که در هر خانوار مرد جوانی واحد مربوط به خود را سرپرستی می کند. در خانواده های چند زنه، وظایف به نوبت بین همسران در دوره های خاصی که معمولاً هفته ای تعیین می شود تقسیم می شود.

خانواده گسترده به عنوان گروهی تعریف شده که شامل عده ای از بستگان نزدیک به هم در میان دودمان زن یا مرد می باشد و معمولاً این گروه ترکیب مشترکی از دودمان زن و مرد را ندارد. معمولاً ساختار خانواده گسترده از طریق نظام تباری تعیین می شود. لذا ساختار و ترکیب این گونه خانواده ها در سیستم های گوناگون تباری قابل بررسی است.

در جوامع پدرتباری، محل سکونت بعد از ازدواج، پدر مکانی یا مرد مکانی است مگر در میان قبیله Ga که

زندگی زن و شوهر بعد از ازدواج دو مکانی یا دو سویه است. در سکونت پدر مکانی همسران خانه خود را در میان فامیل خود در نظر می گیرند. این قرابت زیستی نوعی نیاز در سیستم خانواده گسترده به شمار می رود چرا که مکان منطقی در بین فامیل در واقع منزل پدری است. در نظام پدر تباری، ترکیب خانواده گسترده شامل مرد، همسر یا همسران، کودکان، پسران متأهل و کودکان آخری می باشد. در چنین گروه خانوادگی، پدر که رئیس خانواده به حساب می آید، توسط دیگر اعضا مرد گروه خانوادگی مورد مساعدت قرار می گیرد.

به هر حال تنها پسران متأهل نیستند که با پدرشان به سر می برند، دختران نیز بعضی اوقات خودشان را بعد از ازدواج در منزل پدریشان می یابند که البته نه همراه شوهرانشان بلکه فقط با کودکانشان. در بسیاری از جوامع غنا، حتی پس از ازدواج عروس می تواند تا به دنیا آمدن دو یا سه فرزند در کنار والدین خود زندگی کند. در چنین موردی خانواده گسترده با ساختار پیچیده تری که شامل پسران متأهل، دختران و فرزندانشان است نمایان می شود. پسران به همراه همسران و کودکانشان در آنجا می مانند در حالی که دختران فقط با فرزندانشان در آنجا به سر می برند. اما هنگامی که طلاق یا بیوه شدن در خانواده ای اتفاق بیفتد، دختران به همراه فرزندانشان به منزل والدین خود مراجعت می کنند. لذا در جوامع پدر مکانی ساختار اساسی موجود است لیکن می تواند تغییر نماید یا پیچیدگی بیشتری را از طریق واقعیات زندگی اجتماعی به خود ببیند. پیچیدگی های مورد اشاره می تواند از طریق مطالعات فورتر (Fortes) بر اثر عامل زمان بر روی ساختار خانواده آشنائی توضیح داده شود (۱۹۵۸ - ۱۹۴۹ و Fortes). اگرچه آشنائی جامعه ای مادر تباری است، برای جوامع پدرتباری نیز چنین حالتی موجود است که مطالعات محققان بعدی ارزش آن را حفظ کرده است (Nukunya - 1969). طبق نظر فورتر گروه تباری هرگز ایستایی ندارد، این گروه چرخش رشد و توسعه ای را طی تغییرات ترکیبی خود به طور قابل ملاحظه ای بر عهده دارد. توسعه اخیر در نخستین مرحله از ازدواج همسران آغاز می شود و این مرحله به عنوان «تحویلی یا توسعه» نام دارد که تا پایان فعالیت های تربیت کودک توسط همسران ادامه دارد. دومین مرحله شکاف یا آوارگی نام دارد که با ازدواج کودکان شروع شده و تا زمانی که آخرین فرزند ازدواج کند ادامه می یابد. در طی دومین مرحله تغییر،



محل زندگی خانواده از ویژگی پیچیده‌تری برخوردار می‌شود چرا که بعضی از دختران متأهل نایستی از منزل خارج شوند تا نزد شوهرانشان بروند. اما آن عده که از این قاعده تبعیت نکنند و از منزل خارج شوند به واسطه طلاق، بیوگی یا دعوی با شوهرانشان می‌بایست با کودکانشان به منزل برگردند.

سومین و آخرین مرحله دوران «جانیشینی یا جایگزینی» است. در بعضی جوامع از یکی از پسران انتظار می‌رود تا بعد از مرگ والدین خود به منزل آنها آمده و در آنجا زندگی کند.

فورتز تأکید می‌کند سه مرحله فوق در چرخش توسعه‌ای از یکدیگر مجزا نیستند و به طور برابر عمل می‌کنند. برای مثال، همسران قبل از اینکه فرزندانشان ازدواج نمایند نیازی نمی‌بینند که تربیت کودکان را نادیده بگیرند و آن را تمام شده فرض کنند. همچنین آنها قبل از آنکه فرزندانشان به منزل برگردند نایستی بمیرند.

یکی از نکات مهمی که از تحلیل اخیر می‌توان نتیجه گرفت این است که در هر سیستم تباری آن چیزی که مقررات زندگی را شکل می‌دهد، می‌تواند توسط واقعیات حیات اجتماعی نیز مغشوش شود. این درهم ریختگی ناشی از مسائلی چون طلاق، بیوگی و دعوی بین دیگران

است که قوانین حاکم بر زندگی پدرمکانی یا مردمکانی را تغییر داده یا اصلاح می‌کند. در تحلیل بهتری، فورتز سکونت پدر شوهری را در نظام خانواده هسته‌ای نشان می‌دهد که هم پسران و هم دختران ازدواج می‌کنند. در سیستم‌های پدر مکانی، همین عمل که پسران همسران خود را با خود به همراه می‌آورند در حالی که دختران متأهل از منزل می‌روند، را پیچیدگی‌هایی را برای واقعیات زندگی اجتماعی به بار می‌آورد. لازم به ذکر است که خانواده گسترده در مرحله نخست شکل‌گیری نوعی خانواده هسته‌ای به شمار می‌رود.

در جوامع مادرتباری، شکل و ساختار خانواده گسترده بستگی به الگوی سکوتی دارد. فورتز در مطالعه خود بر روی جامعه آشناتی، به سه نوع ساختار خانواده اشاره می‌نماید. در جوامع مادرتباری نیز چنانچه عامل زمان و مراحل سه گانه تحول مورد نظر فورتز مورد نظر

چگونگی بهره‌برداری از زمین زراعی هستند. امر کشاورزی و توسعه آن نیز توسط قدرت معنوی نیاکان به افراد می‌رسد.

مفهوم فرد در جامعه آشانتی

جامعه آشانتی فرد را به عنوان مجموعه ترکیبی از قوای بدنی و روحی می‌نگرد. فرد نتیجه وحدت و اتحاد مرد و زن بوده و روح مرد با خون زن درهم آمیخته و این آمیختگی معنی واقعی چنین وحدتی است. روح مرد توسط پدر به فرزندان انتقال می‌یابد و اعضاء گروه روحی در واقع گروهی از فرزندان یک پدر هستند. اعضاء گروه روحی اعمال مشخصی را به طور مشترک مورد مشاهده قرار می‌دهند و اجازه ندارند با اعضاء همان گروه خانوادگی روحی ازدواج کنند (گروه مادرتباری مشترک). خون زن از مادر که عضو اساسی عضویت دودمانی است به ارث می‌رسد. لذا خون مادری هم معنای واقعییت دودمان یا Abusua است و باعث ایجاد هویت و شخصیت و عضویت کودک در گروه دودمانی خود خواهد شد. براساس دیدگاه این جامعه وجود خون مادری، کودک را تبدیل به موجود انسانی می‌کند. طفل یک زن روح و روان خود را از پدر خویش هدیه می‌گیرد اما مادر قادر به انتقال روح به کودکانش نبوده، فقط قادر است تا کودکان خود را تربیت نماید. ترکیب «روح و خون مادری» فطرت فرد را می‌سازد. فطرت، ذاتی انسان بوده و در ماهیت شخصیت کودک قرار دارد. فطرت پس از یک هفته که کودک متولد شد، به روح یا روان کودک انتقال می‌یابد. حرکت تحولی فوق توسط قدرت خدایان صورت می‌گیرد. بعد از تولد کودک، فطرت راهنمای واقعی روح در زندگی فردی است.

به هنگام مرگ انسان، فطرت جان او را ترک می‌کند تا در مکان دیگری بخشی از جهان روحی او گردد و اعتقاد این است که فطرت در تناسخ ارواح در زندگی بعدی مدخلیت دارد.

این سه عنصر شخصیت فرد یعنی روح، خون مادری و فطرت در هر انسانی وجود دارند و از کنترل اراده فرد خارج هستند. هر کودکی از طریق سه عنصر فوق تعیین هویت می‌یابد و جایگاه کودک از این رو در خانواده و جهان ارواح تعیین می‌شود.

یک کودک همزمان با اجتماعی شدن عضو جامعه آشانتی می‌گردد که به زبان آشانتی به آن Sunsum می‌گویند. شخصیت کودک پدیده‌ای تربیت‌پذیر بوده و دارای یک نظام اخلاقی مرکب از تشویق و تنبیه است. در تشریح علل رفتار اجتماعی فرد در جامعه سنتی آشانتی، به عوامل زیر می‌توان اشاره کرد:

قرار گیرد، ساختار خانواده بهتر درک می‌شود. در یک جامعه مادرتباری که یک مرد خانه‌ای را می‌سازد و به عنوان رئیس خانواده بر دارایی مادرتباری سرپرستی می‌کند، کودکانی که با آن مرد زندگی می‌کنند هیچ گونه حق مالکیتی بر زمین ندارند. پسران در سن بلوغ بایستی پدر را ترک کرده و به نزد دودمان مادری خود یعنی جایی که برای آنها حق مالکیت و وراثت برقرار است، بروند.

در نظام‌های یک تباری، همان‌طور که سکونت پدر خطی حاکم است، ترکیب خانواده گسترده نیز به همان ترکیب جوامع پدر خطی است. در سیستم‌های تباری دو سویه، ترکیب خانواده بستگی به عواملی دارد که فرزند خواندگی و سکونت را تعیین می‌کنند. اما در عمل، پیوستگی بستگان خانواده است که تعیین کننده بوده و با تغییرات مختلفی که ما، در جوامع پدر خطی و مادر خطی دیدیم، تفاوت ریشه‌ای ندارد. پادشاهی‌های شمالی غنا نشانگر مواردی از این قبیل است.

ساختار خانواده، در واقع کارکردی از نظام تباری و عامل زمان است. این دو به طور مشترک پیوستگی‌های گوناگون بستگان خانواده را که خانواده گسترده را در جوامع مختلف به وجود می‌آورد، باعث می‌شوند.

نظام اقتصادی

از اعضاء خانوارها در آشانتی انتظار می‌رود که بر روی زمین‌های متعلق به دودمان مادری خود کشاورزی کنند. زمین کشاورزی برای بهره‌برداری اعضاء خانواده‌هاست و نه برای فروش. در جامعه سنتی آشانتی جهت حمایت و کنترل نظم اجتماعی هنجارهایی خاص وجود دارد. اعضاء خانواده‌هایی که کشاورزی بر روی زمین به عنوان سرمایه اصلی آنها تلقی می‌شود، موظفند از اوامر رئیس دودمان اطاعت و پیروی کنند. به منظور پرهیز از صدمه ناشی از عالم ارواح، وظایف و قوانین رفتار و سلوک به سختی حاکم است و انحراف از این هنجارها بیماری یا تصادف را برای افراد خانواده‌ها به ارمغان خواهد آورد. در چنین جامعه‌ای همه به کمک یکدیگر می‌شتابند چون همه عضو گروه واحدی هستند و چنانچه حتی فردی بدکار باشد، جامعه به او مساعدت خواهد کرد.

در اندیشه آشانتی، زندگی دنیوی و نحوه استفاده از زمین توسط اجداد و نیاکان مردم تعیین شده است. اجداد از لحاظ روحانی ناظر و شاهد زندگی دنیوی نسل، در

۱- برتری و رجحان جهان معنوی.
۲- نظم اجتماعی و سیاسی حاکم بر جهان به منظور ارتباط مناسب فرد با حیات معنوی.
۳- جامعیت الگوی رفتار یا کنش فردی که از سوی خانواده یا دودمان ایجاد می‌شود و در واقع سازمان دهنده رفتار فرد است.
اقتدار دودمان از جهان ارواح اتخاذ می‌شود و این واقعیت روشی است در نشان دادن انسجام خانوادگی به طور خالص و ساده.

جامعه‌آشنائی با نوع ساختار اجتماعی حاکم بر آن در واقع دارای انسجام اجتماعی از نوع مکانیکی است. روابط اجتماعی براساس ارتباطات خویشاوندی بسیار نزدیک است. اعضای خانواده گسترده دارای ارتباطات مشخص، مؤثر و روزانه بوده که از لحاظ جامعه‌شناسی حالت *Gemeinschaft* را در برابر *Gesellschaft* دارند. احساسات گروهی در جامعه در سطح بسیار بالایی قرار دارد که با احساسات عمیق عاطفی همراه است. امروزه همراه با تغییرات اجتماعی معاصر، بسیاری از خانواده‌ها دنبال فرصت‌های جدید و مغتنم هستند. امروزه عده فراوانی از جوانان جامعه سنتی آشنائی در مراکز شهری زندگی می‌کنند و مهاجرت به مراکز تجمع انسانی افزوده گشته و روابط دوستانه کاهش پیدا کرده است و فعالیت‌های اجتماعی مردم اینک یکپارچگی گذشته را از دست داده است.

جمعیت و شرایط اجتماعی، فرهنگی سنتی در غنا
ویژگی‌های جمعیتی در غنا همانند سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی ریشه در ساختار اجتماعی جامعه دارد. جمعیت و ساختار اجتماعی جامعه غنا از یکدیگر متأثر بوده، مدیریت و سازماندهی اجتماعی عوامل اساسی مؤثر بر ابعاد جمعیتی هستند. در جامعه سنتی غنا، عامل خویشاوندی در حیات اجتماعی مردم بسیار با اهمیت است. جمعیت کشور غنا متأثر از زندگی‌های جمعی خانوادگی است که نگرش‌های سنتی یکی از خصوصیات مهم و مؤثر در بافت آن است. در اجتماعات بومی غنا، آرزوهای خانواده‌ها از طریق گروه‌های بزرگ خانواده تعیین می‌شود و با دیگر جنبه‌های ساخت اجتماعی چون نظام خانواده گسترده، گروه‌های نسبی و احترام به سالمندان و... در ارتباط بوده است. امیال خانواده‌ها در گذشته به مقدار زیادی تحت تأثیر عوامل اجتماعی نظیر

فقر بهداشتی، فقدان تسهیلات کافی پزشکی و مرگ و میر فراوان اطفال و مرگ و میر کلی بود. عوامل فرهنگی نیز مانند اعتقاد راسخ مردم در داشتن فرزند زیاد در گذشته با موانع بسیاری روبرو بوده است. اهمیت روابط خویشاوندی و خانوادگی، ارتباط بین جمعیت و سایر ابعاد زندگی اجتماعی به ویژه سازمان‌های اقتصادی و مذهبی را کم ارزش نمی‌کند.

عوامل مؤثر باروری در جوامع سنتی غنا

۱- بسیاری از جوامع سنتی در غنا، تنها راه ادامه حیات خود را داشتن فرزند بیشتر و خانواده وسیعتر می‌دانند. به عنوان مثال یک شرط ضروری برای رسیدن به درجه ریاست، داشتن فرزند بیشتر می‌باشد، به عبارت دیگر هویت و شخصیت بزرگ خانواده با مشخص کردن تعداد فرزندان اثبات می‌شود و در عین حال نوعی بیمه اجتماعی دوران سالخوردگی والدین نیز محسوب می‌شود. در خانواده‌های سنتی غنا مراسم عبادی خاصی جهت نیایش و تقاضای داشتن فرزند بیشتر وجود دارد. در این گونه خانواده‌ها زنانی که وظیفه تربیت و مراقبت کودکان را به عهده دارند، بسیار مورد احترام و تکریم جامعه قرار می‌گیرند. مراسم خاص *Nyongbato* در میان قبیله *Ga* در غنا وجود دارد که در آن به زنی که دارای ۱۰ فرزند است با احترام خاصی نگریده می‌شود و خانواده وی به عنوان خانواده‌ای کامل و بی‌عیب از طرف جامعه و اطرافیان شناخته می‌شود. در مقابل، زنان نازا مورد ترحم جامعه واقع نمی‌شوند و حتی در بسیاری از موارد به آنها توهین و بی‌احترامی روا می‌گردد. این گونه زنان خود را در جامعه حقیر و کوچک احساس می‌کنند. مردان فاقد فرزند نیز در وضعیت بهتری نبوده و جامعه با چشم حقارت به آنان نگاه می‌کنند.

۲- مسئله دوم پایین بودن موقعیت اجتماعی زنان در غناست. در اجتماعات مادرتباری غنا، زنان به عنوان «ملکه مادر» و یا رهبر خانواده قلمداد می‌شوند و نقش خود را ایفا می‌کنند. اما از سوی دیگر ساختار اصلی قدرت در اختیار مردان است. یکی از راه‌حلی‌هایی که زنان می‌توانند با موقعیت اجتماعی‌شان مبارزه کنند، داشتن فرزندان بی‌شمار است و هر چه تعداد آنها بیشتر باشد، زنان موقعیت بالاتری را برای خود کسب می‌کنند. در خانواده‌ها، زنان به خاطر داشتن فرزند زیاد و نوه، مورد احترام و مباحثات جمعی قرار می‌گیرند و در اجتماعات

جوامع مادرتباری هر چند ازدواج‌های بادوام برایشان مهم است اما به بقای آن چندان ارج نمی‌نهند، چرا که یک کودک به گروه خانوادگی مادرش تعلق دارد، چه مادرش ازدواج کرده باشد و چه ازدواج نکرده باشد.

پس‌دیده طلاق در میان مردم Akan (اجتماعات مادرتباری) عادی است، طلاق، حتی در جوامع پدربباری نیز این پدیده اتفاق افتاده است.

تابوی از شیر گرفتن طفل از مادر، زندگی بهتری را برای کودک تضمین می‌کند، مضافاً اینکه در فاصله‌گذاری بین تولد فرزندان بسیار مهم است و در غیر این صورت سلامتی مادر به خطر می‌افتد. فاصله‌گذاری کوتاه بین مولد، مرگ و میر بسیار زیاد در میان نوزادان و عدم سلامتی مادر و کودک را به دنبال دارد.

۶ - علی‌رغم مشکلات زنان غنایی درخصوص باروری، تولد اطفال و مراقبت‌های بعد از آن، امید به زندگی آنان بیشتر از مردان غنایی می‌باشد. امروزه که میانگین امید به زندگی در غنا در زمان تولد ۵۸ سال است، این میزان برای زنان ۵۹ سال و برای مردان ۵۷ سال را نشان می‌دهد. بی‌تردید عواملی چون تصادفات، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و حوادث کار و غیره روی مردان بیش از زنان مؤثر است (آمار سال ۱۹۸۸).

اثرات تغییرات اجتماعی بر باروری

امروزه بر اثر تغییرات جوامع بومی آفریقا، به ویژه غنا تحولات سریع و قابل توجهی در میان خانواده‌ها ایجاد شده است. ازدواج‌ها و تعداد جمعیت خانواده یا به عبارتی دیگر سن همسران به هنگام تشکیل خانواده و تعداد فرزندان مورد نظر آنها شدیداً تغییر یافته است. ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مانند ارزش ادامه تحصیل و داشتن مشاغل مورد تأیید جامعه امروز باعث شده تا ازدواج‌ها در سنین بالاتری نسبت به گذشته انجام گیرد.

در مورد سن ازدواج در این جوامع باید گفت که یکی از اثرات مهم تغییرات اجتماعی معاصر به خصوص در میان طبقات تحصیلکرده تأخیر در امر ازدواج می‌باشد. جمعیت باسواد در غنا طی سال‌های گذشته به طور ثابت رشد کرده است. در سال ۱۹۶۰ درصد جمعیت ۶ ساله که به مدرسه رفته‌اند ۲۷٪ بوده، در حالی که این نسبت در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۴ به ترتیب به ۴۳٪/۲ و ۵۶٪/۵ افزایش یافته است.

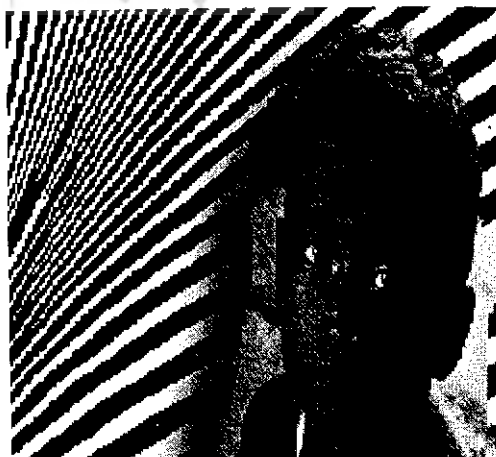
در همان دوره، درصد دختران محصل در کل جمعیت کشور غنا از ۸٪/۳ به ۲۴٪/۶ افزایش یافت و ثبت نام در مقاطع مختلف آموزشی با رشد فراوانی روبرو بود. چنانکه طی سال تحصیلی ۸۱ - ۱۹۸۰ تعداد موارد ثبت نام دانش‌آموزان غنایی در مقطع دبیرستان به ۱۱۳/۱۵۷

مادرتباری و پدربباری احترامی که برای زنان قائل هستند، بی‌ارتباط با نقش تربیت و نگهداری آنها از فرزندانشان نیست و چنین ارزش مثبتی از طرف زنان جامعه در واقع نوعی احساس آرامش و اطمینان را به گروه‌های خانوادگی یا شوهرانشان می‌دهد.

۳ - در این جوامع ازدواج برای جوانان امر بسیار ضروری است. خودداری یا ناتوانی در امر ازدواج آید نقص بزرگی در محیط اجتماعی به حساب می‌آید و فقط زنان و مردانی که از انواع مختلف بیماری‌های جسمی و روانی رنج می‌برند، ازدواج نمی‌کنند. ازدواج دختران در بیشتر جوامع بالا فاصله پس از رسیدن به سن بلوغ انجام می‌شود و معمولاً سن ازدواج دختران غنا بین ۱۵ الی ۲۰ سالگی است، اما مردان معمولاً دیرتر ازدواج می‌کنند. تحقیقات انجام شده در منطقه آشنائی غنا نشان می‌دهد که متوسط سن ازدواج مردان بین ۲۵ تا ۳۰ و برای زنان ۱۵ تا ۲۰ سالگی است. با توجه به اینکه نرخ‌های ولادت و باروری بستگی به باروری زنان دارد، در واقع سن ازدواج زنان بسیار با اهمیت جلوه می‌کند.

۴ - از دیگر عوامل دخیل نقش عقاید سنتی (تابوها) است. با وجود تأکید بر خانواده‌های بزرگ، تابوهایی هم در این‌گونه خانواده‌ها مطرح هستند، از جمله تحریم‌ها و اعمالی که به کنترل روابط زناشویی کمک می‌کنند و باعث کنترل تولید نسل خانواده‌ها می‌شود. از زمان قدیم، تابوی «از شیر مادر گرفتن» در قوانین سنتی کلیه جوامع آفریقایی به عنوان یکی از قوانین زندگی اعمال می‌شده است.

۵ - عامل دیگر ثبات ازدواج است. در جوامع پدربباری مکانیزم‌های مختلفی برای ثبات ازدواج وجود دارد، اما جوامع مادرتباری این مشکل را ندارند. در



بالغ می‌شد که در سال تحصیلی ۸۶ - ۱۹۸۵ این رقم به ۱۶۸/۱۹۲ مورد رسیده بود.

در مقطع دانشگاهی نیز در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۹۸۰ تعداد دانشجویان ثبت نام شده ۷۹۴۵ نفر بود که در سال تحصیلی ۸۶ - ۱۹۸۵ این تعداد به ۸۳۴۴ نفر رسید. درصد ثبت نام دختران در مراکز دانشگاهی نیز افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۹۸۰ تعداد دخترانی که در دانشگاه غنا ثبت نام کرده بودند، ۱۶٪ کل موارد ثبت نام را شامل می‌شد در حالی که در سال تحصیلی دانشگاهی ۸۶ - ۸۵ این میزان به ۱۹٪ بالغ گشت و همچنان نیز رو به تزاید است.

ارتباط بین تحصیلات و سن ازدواج باعث افزایش سن ازدواج و متعاقباً کاهش نرخ باروری در غنا شده است. میانگین سن در نخستین ازدواج در میان دختران، ۱۷/۸ برای بی‌سوادان، ۱۷/۷ برای باسواد مقدماتی، ۱۸/۷ برای باسواد متوسط و بالاخره ۲۲/۳ برای باسواد عالی بود (آمار سال ۱۹۸۹).

نرخ‌های باروری زنان ۴۴ - ۱۵ ساله بین سال‌های ۸۸ - ۱۹۸۵ به میزان ۶/۷۴ برای زنان بی‌سواد، ۶/۱۰ برای زنان با سطح سواد مقدماتی، ۵/۹۳ برای زنان با سطح سواد متوسط و ۳/۶۱ برای زنان با سطح سواد عالی بود. زنان غنایی که از تحصیلات بالایی برخوردارند، بیشتر از زنان عامی و بی‌سواد، به طرح کنترل جمعیت و روش‌های برنامه‌ریزی خانواده اهمیت می‌دهند.

سطح سواد زنان	تعداد فرزندان مورد نظر
بی‌سواد	۶
مقدماتی	۴/۶
متوسط	۴/۴
عالی	۴/۲

جدول مقایسه تعداد فرزندان زنان ۲۹ - ۲۰ ساله غنایی با توجه به سطح تحصیلات آنان (سال ۱۹۸۹)

از طرفی نیاز خانواده‌ها در فرستادن کودکان خود به مدرسه، موقعیت کودکان را به عنوان سرمایه‌های اقتصادی در خانواده‌ها تغییر داد و در نتیجه موجب کنترل تعداد فرزندان شده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت در کشور غنا همراه با رشد سطح سواد، طرح کنترل جمعیت بیشتر نمایان می‌شود. بدین ترتیب درصد جمعیت شهری در غنا از ۲۳/۳٪ در سال ۱۹۶۰ به ۲۸/۶٪ در سال ۱۹۷۰ و ۳۱/۳٪ در سال ۱۹۸۴ رسید. نرخ رشد سالانه جمعیت

شهری ۴/۶ و ۵/۵ درصد بود. رشد سریع جمعیت شهری غنا باعث مشکلات سرویس دهی دولت در مواردی چون حمل و نقل، آب، مسکن و... به مردم خواهد شد و برای نمونه مشکلات ناشی از فقدان تسهیلات شهری در سال ۱۹۷۳ باعث شد تا فقط ۸۶٪ شهروندان از امکانات آب شهری بهره‌مند باشند. با اشاره به این مسائل می‌توان نتیجه گرفت که سرعت شهرنشینی در کشور غنا مشکل جمعیتی این کشور را دوچندان می‌کند.

پانوشت‌ها:

1. Asante

2. Akan

۳. آشنائی دارای هشت قبیله مهم است و اعضاء هر قبیله از طریق خون به هم مرتبط هستند. ازدواج و روابط زناشویی بین اعضاء به عنوان زنا، یا محارم ممنوع است (در اینجا قبیله به عنوان کلان یا گروه دودمانی بزرگ مورد نظر است).

۴. نظامی که در آن انتقال دارایی‌ها و مسئولیت‌ها صرفاً از طریق پدر و در بین مردان صورت می‌گیرد. فرزند پسر جانشین پدر می‌شود و مرد بودن فی‌نفسه اعتبار آفرین است.

۵. در اصطلاح انسان‌شناسان به آن نوع خویشاوندی اطلاق می‌شود که معیار اصلی در آن اشتراک نیای پدر است.

منابع مورد استفاده

1. G. K. Nvkunya, *Tradition and Change in Ghana (An Introduction to Sociology)*, Accra - 1992

2. P. A. Twumasi, *Medical Systems In Ghana (A Study In Medical Sociology)*, Accra, 1975.

